

فروردین سالروز اعدام غلامرضا نیک پی شهردار تهران

نگاهی به زندگی و محاکمه غلامرضا نیک پی، عامل دربار در شهرداری تهران (بخش دوم)

✦ حسین کاوشی

ریاست کاخ جوانان

یکی از مسئولیت های که نیک پی در زمان وزارت به عهده داشت اداره کاخ جوانان بود بر همین اساس وی شرحی از فعالیت های یک ساله کاخ جوانان را با امضای وزیر مشاور و معاون اجرایی در تاریخ ۴۶/۷/۲۰ برای وزیر دربار شاهنشاهی ارسال کرد و اسدالله علم در پاسخ نوشت: « امید است در هدایت و ارشاد نسل جوان به پیروی از منویات عالیله رهبر خردمند و عالی قدر خود شاهنشاه آریامهر در راه نوسازی ایران و به ثمر رسیدن انقلاب شاه و ملت موفق و پیروز باشید». هدایت و ارشاد نسل جوان و پیروی از منویات شاهانه همراه به ثمر رساندن انقلاب به اصطلاح سفید که طراح آن یهودی الاصل بود در این خلاصه می شد تا غلامرضا نیک پی، مدیر کاخ جوانان - عباس اخباری - که از مرتبترین مئیر عزری - نماینده اسرائیل در ایران بود و از سال ۱۳۴۲ با او در ارتباط بود را به اعزام تعدادی کارشناس به اسرائیل غاصب توصیه کند برای رهبری نسل جوان از؟! از آنان کمک گرفته شود. او در این توصیه از ارتباط خود با نماینده اسرائیل پرده برداشت و گفت: « من عقیده دارم شما و چند نفر دیگر از اعضای مسئول برای بررسی وضع جوانان اسرائیل به آن کشور بروید و اگر طرح مفیدی به نظرتان رسید به عنوان الگو ارائه دهید چنان چه پس از رسیدگی در جلسات مناسب تشخیص داده شد برای رهبری جوانان ایران پیاده کنیم برای این منظور من با آقای عزری تماس می گیرم تا برای مسافرت شما بورس بگیرم».

شهردار تهران

غلامرضا نیک پی از مهر ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۵۶ شهردار تهران بود. تقاضای صدور فرمان شهرداری وی در زمان تصدی وزارت کشور توسط حسن زاهدی و موافقت محمد رضا پهلوی صورت گرفت. ماجرای شهردار شدن نیک پی بدین صورت بود که وی به دلیل مشاجره ای که بین او و عطاء الله خسروانی در گرفت به دستور شاه از کار برکنار شد. در علت برکناری که برخی آن را به سناریوی از پیش نوشته شده امیر عباس هویدا برای خلاصی از شر خسروانی که برای او در حزب ایران نوین به مانعی جدی تبدیل شده بود نسبت می دادند شایعات متفاوتی مطرح بود از جمله این که یک روز قبل از ترمیم کابینه در اطاق مهندس اصفیاء مشاجره و زد و خورد و کتک کاری شدیدی بین خسروانی و نیک پی صورت گرفته و به طوری که در اثر این زد و خورد پیراهن نامبردگان به کلی پاره شد و طرفین ناچار رانندگان خود را به منزلشان فرستاده و پیراهن دیگری برایشان آورده اند و پس از تعویض پیراهن توانسته اند از اطاق مهندس اصفیاء خارج شوند. در این زمان هویدا هئیت دولت را ترک می کند و به اتاق کار خودش می رود وزیران دیگر هم بین خسروانی و نیک پی را می گیرند و آنان را آشتی می دهند و از آنها می خواهند برای معذرت خواهی به حضور نخست وزیر بروند. خسروانی و نیک پی به اتاق هویدا می روند و از او می خواهند درباره ماجرای امروز هیچ گفتگویی با شاه نکنند. هویدا قول می دهد و ماجرا تمام می شود و آنها به خانه خود می روند اما هویدا به قول خود عمل نمی کند و بلافاصله پس از خروج نیک پی و خسروانی گوشی تلفن را بر می دارد و درخواست شرف یابی می کند و پس از موافقت یکسره به دیدار شاه می رود و می گوید: در هیئت دولتی که دو تن از وزیرانش به یکدیگر فحش های عرضی

و ناموسی بدهند و رعایت اصول و مازین را نمایند چاکر خود را لایق نخست وزیری نیم دانم شاه می گوید آن دو وزیر را بر کنار کنید و همین امشب به هر دو ابلاغ نمایید از خدمت بر کنار شده اند. (۱۷)

هویدا بلافاصله به ناصر یگانه وزیر مشاور خود دستور می دهد تا فوراً موضوع برکناری خسروانی و نیک پی را به آنها اطلاع دهد. اما هویدا حدود یک ماه بعد جواد شهرستانی که در آن زمان شهردار تهران بود را به عنوان استاندار کرمانشاه منصوب و غلامرضا نیک پی را به عنوان شهردار جدید تهران معرفی می کند. او در این مقام و با اجرای طرح محدوده تهران عملاً دست به فیجج ترین جنایات زد و خانه بسیاری از مردمان زحمتکش را در مناطق فقیر نشین جامعه برسرشان خراب کرد. وی در این مسند در خدمت اشراف و درباریان و کلان سرمایه داران بود و با قرار دادن اراضی آنان در داخل محدوده تهران موجبات ثروتمند تر شدن بیش از پیش آنان را فراهم آورد و در همین حال بدون هیچ ترحمی خانه های خارج از محدوده را ویران می کرد. (۱۸)

در این بین عطاء الله خسروانی که طرف دعوای خود را در مقام شهرداری تهران می دید درباره او گفت: نشنیده‌ام نیک پی در شهرداری با باند بازی و دزدهای آنجا همکاری می کند و گویا دو سه پرونده هم برای او ساخته‌اند و گزارشاتی از وضع شهرداری به شرف عرض رسیده است. «(۱۹)

اواخر دهه چهل زمانی که رواج ابتذال و از خود بیگانگی نسل جوان در دستور کار دولت قرار گرفت امیر عباس هویدا ، غلامرضا نیک پی را مسئول این پروژه کرد و وی با ارائه طرح ایجاد کاخ های جوانان فعالیت مخربی را در این عرصه آغاز نمود. معروف است که در اوایل همین دوره چند ماه پس از گشایش پارک ملت (شاهنشاهی سابق) کارگران زحمتکش این پارک زن و مرد بی بندباری را در حین استعمال مواد مخدر و اعمال منافی عفت دستگیر می کنند و پرونده این دو تن پس از طی مراحل اداری به شخص شهردار ارجاع می شود و نیک پی بعد از آگاهی از این ماجرا بلافاصله زن و مرد لابلالی را پس از عذر خواهی فراوان آزاد می کند و همزمان نسبت به توییح و حتی اخراج کارگران مزبور اقدام می کند و در پاسخ به اعتراض یکی از این کارگران با وقاحت و لحنی عصبانی می گوید: ما درختان این پارک را با این هدف که پناهگای برای معاشرت جوانان مترقی و متمدن باشد کاشته‌ایم و آن وقت شما با مغزهای منجمدتان موجبات سلب آسایش آنان را فراهم آورده اید. (۲۰) شدت تخلفات نیک پی در شهرداری به حدی بود که اعتراضات افشار مختلف اجتماع را به دنبال داشت در این باره خانم ملیحه تهرانی که ریاست مدرسه چهار آبان را به عده داشت در خصوص نحو رفتار نامناسب شهرداری با عده ای از اهالی قلهک که برای جلوگیری از ساختمان آبریزگاه جدید قلهک به نزد او رفته بودند و در بین آنان امرای بازنشسته ارتش نیز بود می گفت: شهردار تهران گفته است « شهرداری کار خودش را انجام خواهد داد ضمن اخراج آنها گفت: بروید هر غلطی که می خواهید بکنید.



غلامرضا نیک پی در حال بوسیدن دست فرح پهلوی

غلامرضا ایلخانی - کارمند وزارت کشور و مدیر مجله دفاع غیر نظامی - ضمن اشاره به دریافت رشوه از محل خرید ماشین آلات برای شهرداری از چکسلواکی اظهار داشته: چند شب قبل در یک هتل واقع در خیابان در جاده آبعلی خانم شهردار در حین قمار ابتدا چهل هزار تومان و سپس مبلغ ۶۰ هزار تومان باخت داشته و آقای نیک پی در حالی که پشت سر خانمش ایستاده بود گفته: عزیزم من به کار تو دخالت نیم کنم و به وقت هم دست نمی زنم. ایلخانی درباره حمایت هویدا از نیک پی نیز گفته است به هر حال ما شاهد هزاران کار خلاف آقای نیک پی و دار و دسته اش هستیم ولی از آنجایی که نخست وزیر از او دفاع می نماید جرأت گفتنش را نداریم. « و پس از آن گزارش دریافت مبلغ دو بیست میلیون تومانی رشوه از صاحبان اراضی غرب و شمال غرب تهران که اکثرا کلیمی بودند برای واقع شدن زمین هایشان در محدوده تهران به ساواک رسید. از دیگر سوء استفاده های نیک پی پوشاندن روی چشمه آب کاظم آباد شمیران در حدود یک کیلومتر و هدایت آن به باغ پدرش اعزاز الملک نیک پی بود که ضمن آن که مبلغ یک میلیون تومان از بودجه شهرداری صرف این کار شخصی شده بود اعتراض مردم منطقه که از آب چشمه بهره مند بودند را نیز در پی داشت. با گذشت حدود یک ماه از جریان گزارش رشوه دو بیست میلیونی شهردار تهران از صاحبان اراضی غرب و شمال غرب تهران مجددا این مساله زنده شد و در نامه های بدون امضا برای برخی از شخصیت های دولتی ارسال گردید(۲۱)

از جمله دیگر اقدامات نیک پی در سال ۱۳۵۴ تخریب خانه های مردم در شمیران نو بود در این سال در شمیران نو بولدوررها وسط روز که مردان بر سرکار و در حال عملگی بودند حمله بردند زنان در غیاب سرپرستان خانواده مقاومت کردند و برای جلوگیری از خراب شدن خانه هایشان بی توجه به اخطارهای پیاپی ماموران شهرداری در خانه ها ماندند . نیک پی موضوع را عرض رساند دستور اقدام رسید دو زن و سه کودک کشته شدند در حالی که چند صد متر دورتر (متخلف تر) از اینها خانه بزرگ اعزاز نیک پی پدر شهردار پا برجا بود . یک هفته بعد اعزاز نیک پی ناچار شد دو نفری را که از دیوار خانه اش بالا آمده بودند با گلوله بزند پرونده این قتل طبق معمول ماست مالی شد.(۲۲)

نیک پی در اوایل دهه ۵۰ فرصت طلبانه ، چاپلوسی و چاکر مسلکی را از حد گذراند و اعلام کرد ایران در عصر انقلاب سفید و به یمن رهبریهای خردمندانه از اعلیحضرت همایون شاهنشاه به مرزهای تازه ای از دانش و هنر رسیده و فراخنای جدیدی از نبوغ و هنر ایرانی را پیش چشم جهانیان گشوده است از آنجا که نشان دادن این درک و دریافت های تازه وظیفه هر ایرانی شاه دوست و وطن پرست می باشد شهرداری تهران تمام توان خود را در جهت شکوفایی هر چه بیشتر این خلاقیت های هنری به کار خواهد گرفت و نمونه های معماری و شهرسازی مدرن ایران را که حامل تمام ویژگی های هنر روزگار پهلوی باشد در مجموعه ای به نام شهستان پهلوی حفظ و نگهداری خواهد کرد. منطقه عباس آباد به عنوان محل ایجاد شهستان پهلوی معین گردید و دستور اجرای این طرح خائنانه صادر شد بر این اساس مالکان اماکن مسکونی و اراضی منطقه عباس آباد موظف شدند تا در اسرع وقت خانه ها و املاک خود را به شهرداری تهران واگذار کنند و این محله را سریعاً تخلیه نمایند. در این منطقه حدود سیزده هزار نفر سکونت داشتند در این ایام نیک پی و هویدا موفق شدند تا جزئیات این طرح را به اطلاع فرح پهلوی برسانند و توجه او را به آن معطوف نمایند. فرح از این طرح استقبال کرد و عده ای از کارشناسان و مهندسان معمار وابسته به دفتر خود را مامور مطالعه و رفع نقایص آن ساخت. به این ترتیب طرح عمران آباد - که فرح پهلوی برای آن نام شهستان پهلوی را انتخاب کرده بود وارد مراحل اجرایی خود شد. و خریداری املاک و خانه های مسکونی واقع در محدوده آن آغاز گردید. ولی عدم توجه شهرداری به اجرای تعهدات خود مبنی بر خرید اراضی به قیمت روز موجب بروز اعتراض و نارضایتی شدید ساکنان منطقه شد و این امر آنقدر بالا گرفت که مطبوعات ناچار به انعکاس گوشه هایی از آن شدند. عدم توجه شهرداری به خواست مردم موجب شد تا گروهی از مالکان منطقه تصمیم به مقاومت بگیرند و از مراجعه به دفاتر اسناد رسمی و انتقال اسناد خود به نام شهرداری خودداری کند. اما این اقدام اثر معکوس بخشید و موجب شد تا نیک پی بر میزان خشونت و شدت عمل خود بیفزاید و بر اساس یک دستور خاص آب و برق و تلفن این دسته از مالکان را قطع نمایند. سرانجام اعلام شد که اولین کلنگ شهستان پهلوی در روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۴ به زمین زده خواهد شد و از این روز رسماً عملیات ساختمانی آن آغاز می شود. در حالی که هنوز عده ای از ساکنان محله عباس آباد حاضر به فروش املاک خود نشده بودند اما نیک پی که از غرور و خودخواهی سرمست بود طی بیانیه ای رسمی اعلام داشت «...اگر این مالکان مراجعه نکنند نماینده دادستان به جای آنان دفاتر اسناد رسمی را امضاء خواهد کرد و قیمت زمین در صندوق ثبت گذاشته خواهد شد...»

هنوز دو ماه از آغاز عملیات اجرایی شهستان پهلوی نگذشته بود که برخی روزنامه ها با هدف انعکاس محدود اعتراضات مردمی خبر از سوء استفاده در کار خرید و آماد هسازی طرح شهستان پهلوی می دادند. کار رسوایی به جایی رسید که رژیم در جهت مقابله با موج اعتراضات مردمی مجبور شد تا به گونه ای نمایشی سرلشگر محمود نعمتی زاده رئیس سازمان نوسازی عباس آباد را به اتهام سوء استفاده و اختلاس و رشوه خواری روانه بازداشتگاه کند. (۲۳)

اینگونه اعمال آشکار و بر کناری برخی از معاونین شهرداری اختلاف نظر بین برخی از اعضای انجمن شهر با او را به دنبال داشت.

استعفا از شهرداری

در شهریور ماه ۱۳۵۰ هویدا در یک اقدام نمایشی از سمت خود استعفا داد اما مجدداً از سوی شاه مامور تشکیل کابینه می‌شود. در همین سال نیک پی یک بار دیگر از سوی شورای شهر برای تصدی مقام شهرداری تهران برگزیده می‌شود. نیک پی در این ایام مثل گذشته در برابر هویدا روش اطاعت محض را در پیش می‌گیرد به طوری که شورای شهر تهران در آبان ماه ۱۳۵۱ به دستور مستقیم هویدا بار دیگر وی را به مدت سه سال به عنوان شهردار تهران منصوب می‌کند. همچنین در سال ۱۳۵۳ شورای شهر برای چهارمین بار او را برای شهرداری تهران انتخاب می‌کند. و باز در سال ۱۳۵۵ بار دیگر به سمت شهردار تهران منصوب می‌شود. در سال ۱۳۵۵ شاه به پاس خوشخدمتی‌های نیک پی فرمان داد تا نشان طلایی شهر تهران را به او بدهند. (۲۴)

در مرداد سال ۵۶ پایان دوران نخست وزیری هویدا است و جمشید آموزگار به سمت نخست وزیری برگزیده می‌شود آموزگار که با اعلام فضای باز سیاسی قصد دشات مواضع اصلی ایجاد نارضایتی را از جلو چشم مردم دور کند و از آسیب پذیری شاه بکاهد در شروع کار شاه را واداشت تا نیک پی شهردار تهران را که به سخت گیری و فساد و تبعیض و ایجاد نارضایتی در مردم شهرت داشت از کار بردارد. بنابراین نیک پی که خود بهتر از هر کس این وضعیت را دریافته بود در تاریخ ۲۵ مرداد ۵۶ از مقام شهرداری تهران استعفا داد. اما دو روز بعد به اصرار فرح که نیک پی را مجری اوامر خود می‌دید او را به عنوان سناتور انتصابی اصفهان وارد مجلس شیوخ شد و اثر تبلیغاتی و روانی این امتیاز از میان رفت. (۲۵)

بازداشت نمایشی

هنوز یک سال تمام از انتصاب نیک پی به سمت سناتور اصفهان سپری نشده بود و شعله‌های انقلاب اسلامی در حال سوزاندن ریشه‌های کهن رژیم شاهنشاهی بود که طرح عوام‌فریبانه دستگیری برخی از دولتمردان رژیم که در بین مردم منفور تر بودند در دستور کار قرار گرفت یکی از این افراد غلامرضا نیک پی بود که اداره کل نهم ساواک درباره وی نوشت: «از لحاظ صحت عمل و درستی هنگام خدمت در سمت شهردار پایتخت شایعاتی به میزان وسیع دایر بر نادرستی و زد و بند وی در افواه وجود داشته که با توجه به شواهد و قرائن می‌تواند صحت داشته باشد فردی زرنگ و فعال و قاطع و صریح‌اللهجه ولی بد دهن و فحاش و عجول و دهن بین و پر مدعا و از خود راضی و سازشکار است. در همین گیر و دار بود که بسیاری از دست‌اندارکاران رژیم شاهنشاهی بار سفر بستند و به دامن اربابان خود پناه بردند از جمله این افراد غلامرضا نیک پی بود که علی‌رغم اینکه قصد فرار داشت موفق به این امر نشد و شایع گردید که به همراه هفده میلیون تومان پول در هواپیما دستگیر شده است در راستای طرح فریب دستگیری رجال، هویدا در تاریخ ۵۷/۸/۱۷ دستگیر شد و دو روز بعد از آن اکیپ سیمرغ منزل نیک پی را شناسایی و کروکی محل را تهیه کرد و فردای آن روز نیز اکیپ نادر به تحقیق نامحسوس در اطراف ان پرداخت و در نهایت در روز ۵۷/۸/۲۱ او را دستگیر و به جمشیدیه منتقل کردند.

با گذشت یک هفته از این دستگیری نیک پی به این فکر افتاد تا بخش دیگر از ثروت اندوخته خود را به وسیله همسر و فرزندان به خارج از کشور ارسال نماید و خود نیز پس از آزادی به آنان ملحق شود برای همین منظور نامه‌ای خطاب به فرماندار نظامی تهران و حومه به شرح زیر نوشت: چون وضع روحی و ... اطفال صغیر من علیرضا ۹ ساله و امیر رضا ۷ ساله خوب نیست قصد دارم آنها را به اتفاق خانم صدیقه نیک پی عیالم به خارج اعزام دارم لذا خواهشمند است موافقت فرمائید اوراق مربوط به اخذ گذرنامه را امضا و به شهرداری ارسال دارم همچنین برای این‌که خانم نیک پی

بتواند از حساب جاری اینجانب چک بکشد و هزینه های جاری را تامین کنند ورقه مربوطه به بانک را امضا و وکالت به ایشان بدهم توضیحاً اضافه می نماید در حساب جاری اینجانب مبلغی جزئی موج.د است ولی چون مستغلات مرحوم پدرم در اصفهان است و درآمد آنها به این حساب واریز و توسط اینجانب به ۱۲ سهم تقسیم و بین وراث و خیره عزیزالله نیک پی تقسیم می شود و زندگی عدهای بستگی به فعالیت اینجانب دارد لذا امضا دو وکالتنامه ضروری است. با تجدید احترام غلامرضا نیک پی.

ضمناً چند روز قبل یک وکالت نامه کلی توسط دفتر اسناد رسمی شماره دو تهران تنظیم شده تا دیگر احتیاجی به تصدیق نباشد استدعا دارم آن را هم اجازه بفرمایید امضا کنم.» (۲۶)

پس از باداشت نیک پی دوستان و آشنایان او به تکاپو افتادند تا شاید به طریقی او را آزاد کنند حتی همسرش نامه ای خطاب به نصرت الله معینیان رئیس دفتر محمدرضا پهلوی نوشت و با تشریح وضعیت خود و فرزندانش تقاضای آزادی همسرش را مطرح ساخت اما هیچ کدام از این اقدامات و تلاشها به دلیل فشار افکار عمومی مردم و تنگنای روز افزون رژیم ثمر نداد و نیک پی همچنان در بازداشت ماند تا جایی که چند روز بعد شاه نیز بدون اعتنا به نوکران خود مجبور به فرار از کشور شد . نیک پی پیش از فرار شاه بسیار کوشید تا به هر نحو ممکن خود را از زندان برهاند او طی نامه ای به تاریخ ۵۷/۱۰/۱۵ از بختیار نخست وزیر وقت خواست تا با توجه به مصونیت پارلمانی او را آزاد کند اما پرونده و سابقه اش خراب تر از آن بود که دولت متزلزل بختیار در آن جهت بتواند به او کمک کند. (۲۷) در این شرایط غلامرضا نیک پی در زندان باقی ماند تا اینکه در روز ۲۲ بهمن ۵۷ انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و در زندانها نیز باز شد و او به همراه دیگر زندانیان به خیابان گریخت ولی مجال فرار نیافت و مجدداً به دست نیروهای انقلاب اسلامی دستگیر شد و او را به کمیته حضرت امام (ره) مستقر در مدرسه رفاه بردند و بعد از انقلاب، به جرم سخت‌گیری در اجرای قوانین و مجوزها، بعد از انقلاب در دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شد.

پایان

پی نوشت ها:

۱۷- باقر عاقلی، نخست وزیران ایران از مشروطه تا بختیار، ص ۹۹۹.

۱۸- کیهان، ۵۰/۴/۱۵

۱۹- رجال عصر پهلوی به....، پیشین، ص ۲۰

۲۰- نیمه پنهان سیمای کارگزاران....، پیشین، ص ۶۲- ۶۱

۲۱- رجال عصر پهلوی به....، پیشین، ص ۲۲- ۲۱

۲۲- مسعود بهنود، از سید ضیاء تا بختیار، تهران: نشر جایودان، ۱۳۷۰، ص ۶۰۲

۲۳- نیمه پنهان سیمای کارگزاران...، پیشین، ص ۶۷-۶۲

۲۴- کیهان، ۵۵/۱/۲۴

۲۵- بهنود، پیشین، ص ۷۲۴

۲۶- رجال عصر پهلوی به...، پیشین، ص ۲۹-۲۸

۲۷- نیمه پنهان سیمای کارگزاران...، پیشین، ص ۸۲.